

انقلاب اطلاعات و تأثیر آن بر جنگ نرم

مهدی ناظمی اردکانی* - مجید نجات پور** - مصطفی محمدی***

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۲/۱۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۸)

چکیده

انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش برجسته‌ای را در سازمان‌دهی عملیات نظامی در هزاره سوم ایفا می‌کند. پرسش‌هایی که در اینجا مطرح می‌شود این است که این انقلاب چه تأثیراتی بر جنگ نرم دارد؟ جنگ‌های متأثر از انقلاب اطلاعات و ارتباطات کدام‌اند؟ چگونه می‌توان از فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطاتی در جنگ نرم استفاده کرد؟ فرضیه پژوهش حاضر این است که فناوری اطلاعات و ارتباطات نوین با توجه به نقش و تأثیر فراوانی که دارند به شکل‌گیری جنگ‌های نوینی در فضای جنگ نرم همچون جنگ سایبری، جنگ شبکه‌ای و یا جنگ الکترونیکی انجامیده است. انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات، توان رزمی و تاکتیکی ارتش‌ها را تغییر داده و میزان موفقیت آن‌ها در میدان نبرد را تعیین خواهد کرد. با پیدایش شبکه‌های الکترونیکی، تحول بنیادین در مناسبات قدرت پدیدار گشته، و بازیگران جدیدی که انعطاف پذیرند و تحت هیچ قاعده و قانونی در نمی‌آیند قابلیت تهدید و تخریب را کسب کرده‌اند.

واژگان کلیدی: انقلاب ارتباطات و اطلاعات، جنگ نرم، جنگ الکترونیکی، جنگ سایبری، فناوری‌های نوین.

* دانشیار مدیریت دولتی گرایش سیاست‌گذاری سیاسی دانشگاه امام حسین (ع) m.nazemi@yahoo.com
** دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) majidnejatpoor616@gmail.com
*** کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه اصفهان ma.mohammadi1383@gmail.com

مقدمه

در تاریخ جنگ نرم، نوشتار به‌عنوان وسیله‌ای اثرگذار و به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فناوری‌های ارتباطی گذشته مورد استفاده قرار می‌گرفت. در قرن شانزدهم میلادی و ظهور صنعت چاپ، استفاده از اطلاعات در امر جنگ نرم کاملاً متحول گردید؛ در نتیجه نقش نوشتار که اینک عمومیت یافته بود، پررنگ‌تر شد. در این برهه، به‌خصوص در دوره‌های اخیر استفاده از کتاب و نشریات در میدان جنگ، جهت تضعیف روحیه طرف مقابل بسیار رواج یافت.

تحول عمده‌ای که در استفاده از وسایل ارتباطی - اطلاعاتی در جنگ نرم صورت گرفت، بهره‌برداری از رسانه‌های الکترونیکی است که با اختراع رادیو (حدود یک قرن پیش) وارد فاز جدیدی شد.

آلمان در جنگ جهانی دوم از رادیو، جهت پیشبرد اهداف خود در جنگ نرم و بهره‌برداری از آن علیه کشورهای مورد هجوم استفاده فراوانی برد، چنانکه اصطلاح رادیوی سری یا آنچه اغلب رادیوی سیاه نامیده می‌شود، از جنگ جهانی دوم رایج شد. در آن زمان آلمان‌ها پس از اشغال کشورهای مورد هجوم، از ایستگاه‌های رادیویی آن کشورها برای فریفتن دشمنان خود استفاده می‌کردند؛ اما پس از آن آمریکایی‌ها در بهره‌گیری از این گونه ایستگاه‌ها، از دیگران پیشی گرفتند. آن‌ها در کشورهای آماج خود، پیش از تهاجم، بعد و یا حین اشغال، از فرستنده‌های سیار استفاده می‌کردند، اما اغلب عناوینی که برای رادیوی سیار خود برمی‌گزیدند، اسامی رادیوهای کشورهای مورد آماج بود.

برای نمونه، آن‌ها در جنگ ویتنام رادیو سیار خود را رادیو ویتنام آزاد نام نهادند. آمریکایی‌ها با سوءاستفاده از این نام درصدد برآمدند تا نظرات و نگرش‌های مردم ویتنام شمالی را به هوشی‌مینه^۱ و شوروی تغییر دهند. شواهد مربوط به یک دهه جنگ ویتنام، بیانگر موفقیت رادیوی سری آمریکایی‌ها در نیل به برخی اهداف تاکتیکی و عملیاتی در ویتنام است (الیاسی، ۱۳۸۲: ۲۳۸).

طی دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با فراگیر شدن تلویزیون، استفاده از این وسیله در جنگ نرم نیز شیوع پیدا کرد. آمریکایی‌ها در این زمان با پوشش خبری جنگ از طریق تصاویر تلویزیونی، نتیجه معکوس گرفتند، افکار عمومی با دیدن صحنه‌های نبرد علیه جنگ موضع گرفته و حمایت خود را از دولت کاهش دادند؛ در نتیجه آمریکا در جنگ شکست خورد.

در جریان جنگ سرد نیز جنگ نرم بین دو اردوگاه، از طریق رسانه‌های الکترونیکی (رادیو و تلویزیون) جریان داشت. رادیو اروپای آزاد نقش مؤثری در تحریک افکار عمومی کشورهای

۱. هوشی‌مینه (Ho Chi Minh) (۱۹۶۹ - ۱۸۹۰) انقلابی ویتنامی که رهبر کمونیست این کشور از ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۹ و اولین رئیس‌جمهور جمهوری دموکراتیک ویتنام بود.

اروپای شرقی و فروپاشی نظام‌های کمونیستی این کشورها ایفا کرد.

استفاده از رسانه‌ها در طول جنگ‌های محدود، در دهه ۸۰ توسط آمریکا پیگیری شد. نقطه اوج استفاده از فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی در جنگ نرم، در جنگ اول خلیج فارس (سال ۱۹۹۱) صورت گرفت. تغییرات فناورانه هم‌زمان‌سازی وقوع یک رویداد و گزارش آن در پخش تلویزیونی، پیدایش سرویس خبری ۲۴ ساعته تلویزیون جهانی و شبکه‌های خبری کابلی، جنگ خلیج فارس را به حادثه‌ای رسانه‌ای، آن هم در مقیاسی وسیع و با پوشش تقریباً گسترده و سریع مبدل ساخت (گرمین و مک‌لین، ۱۳۸۲: ۲۸۵).

در جنگ آمریکا علیه افغانستان و سپس جنگ سوم خلیج فارس و اشغال عراق توسط آمریکا، وسایل ارتباط جمعی نقش مهم و تأثیرگذاری بر افکار عمومی مردم جهان داشتند. اهمیت این موضوع را می‌توان در نحوه گزارش اخبار و اطلاعات مربوط به فجایع انسانی دریافت، چراکه در طول حملات نیروهای متحد و مخالفت‌های مردمی اکثر نقاط دنیا با جنگ، نیروهای متحد با سانسور اخبار و اطلاعات مربوط به جنگ، به‌خوبی نشان دادند که در شرایط جنگی نیز می‌خواهند تمامی دستگاه‌های خبری و رسانه‌ها در خدمت منافع آنان قرار گیرد. طی جنگ اخیر، فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی جدید، نقش بسزایی را در جنگ نرم ایفا کردند. در این جنگ، استفاده از تلویزیون ماهواره‌ای و اینترنت (ارسال ایمیل‌های تهدیدآمیز) در کنار رادیو و سایر رسانه‌های سنتی، مورد توجه آمریکایی‌ها قرار گرفت.

انقلاب فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی، به‌ویژه پیدایش رسانه‌های الکترونیکی جدید، تمام شئون زندگی انسان‌ها را متأثر کرده است. امروزه، وسایل ارتباط جمعی از طریق انتقال اطلاعات و مبادله افکار، نقش عمده‌ای را در شکل‌گیری افکار عمومی جهان بازی می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت که انسان‌ها اکنون محصور ارتباطات و اطلاعاتی هستند که از طریق ابزار و وسایل گوناگون، ذهن آن‌ها را در راستای اهداف از پیش تعیین‌شده خود حرکت می‌دهند.

فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی در حوزه جنگ نرم نیز کاربرد فراوانی یافته‌اند. در واقع جنگ نرم و یا به تعبیر دیگر تأثیر و نفوذ در افکار و رفتار سایر دول و ملل که کارگزاران آن را در جهت اهداف و مقاصد خود پی‌ریزی می‌کنند، امروزه از طریق فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی به‌خصوص رسانه‌های نوین، رو به گسترش نهاده است. فناوری‌های مذکور، شیوه‌های جنگ نرم را متحول و سازوکارهای انجام جنگ نرم را وارد مرحله جدیدی کرده‌اند.

اهمیت و ضرورت تحقیق

در دوران معاصر با توجه به انقلاب الکترونیک، شاهد انجام عملیاتی هستیم که چشم و

گوش‌های غیرزمینی در صحنه جنگ وارد می‌شوند؛ یعنی از طریق ماهواره‌ها، نظامیان در اتاق جنگ و بیرون از میدان جنگ در آمریکا می‌نشینند و به صورت مستقیم حتی نبرد نقره‌نفر را در بحران کوزوو از نزدیک می‌بینند و هدایت می‌کنند. اگر بپذیریم که اطلاعات نظامی در طرح راهبردهای نظامی و در کل بر روند جنگ نقش برجسته‌ای را بازی می‌کند، بنابراین در عصری زندگی می‌کنیم که به دلیل سرعت ارتباطات، که ناشی از مشخصه‌های عصر جهانی شدن (انفجار اطلاعات و سرعت ارتباطات) است می‌بینیم که سرنوشت جنگ‌ها و نوع آن‌ها و حتی سلاح‌ها دچار دگرگونی اساسی شده است. به طور مثال شاهد نوعی از جنگ، به عنوان جنگ الکترونیکی هستیم که بدون استفاده از رادارهای پیشرفته، سیستم‌های هدایت کننده موشکی بسیار دقیق، استفاده از سلاح‌های پیشرفته مانند لیزری و بدون داشتن اطلاعات دقیق و فناوری لیزری امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین در دنیای جدید، اطلاعات به یکی از عوامل مهم در جنگ تبدیل شده است.

به همین دلیل امروزه همه ارتش‌های دنیا سرمایه‌گذاری‌های عظیمی را در حوزه ارتباطات انجام می‌دهند؛ چرا که بدون آگاهی از تأثیر و نقش فناوری ارتباطاتی در جنگ، امکان موفقیت برای هیچ کشوری وجود ندارد و راه پیروزی در جنگ آشنایی با انواع جنگ‌ها (جنگ سایبر، الکترونیکی و ...) است. اهمیت و ارزش مطالعه و بررسی فناوری ارتباطات و تأثیری که بر جنگ و امور نظامی گذارده است امروزه در هر کشوری که خواهان حفظ قدرت و بقا در نظام بین‌الملل است ضروری به نظر می‌رسد تا برای حفظ موجودیت خود از ابزارها و فناوری‌های نوین جنگی اطلاع یابد و تلاش کند خود را به این فناوری‌های نوین جنگی مجهز گرداند تا از بقای خود در مقابل دشمنان محافظت کند. این مطلب اهمیت و ارزش این پژوهش را به وضوح نمایان و روشن می‌کند. امروزه بقای هر کشوری در گرو آگاهی از فناوری‌های پیشرفته روز در امور مختلف از جمله امور نظامی است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر تلاش دارد تا با روش توصیفی - تحلیلی و با گردآوری اطلاعات و داده‌ها و با ابزار کتابخانه‌ای، نقش محوری ارتباطات را در جنگ‌های نوین، در پی تحولات جدید بین‌المللی مورد تحلیل قرار دهد.

چارچوب نظری

برای بررسی و توضیح تفاوت جنگ‌های گذشته با جنگ‌های متأثر از انقلاب ارتباطات از

نظریه جنگ‌های نوین که دانشمند آلمانی هر فرید مونکلر^۱ بیان کرده است، استفاده می‌کنیم. بر اساس این نظریه جنگ‌هایی که امروزه در جهان رخ می‌دهد از لحاظ مکانی و زمانی متفاوت هستند. در گذشته جنگ در زمان و مکانی خاص صورت می‌گرفت اما امروز، دیگر در همه زمان‌ها و در همه مکان‌ها با استفاده از فناوری ارتباطاتی رخ می‌دهد (مونکلر، ۱۳۸۴: ۱۰-۲۰).

امروزه در عصر ارتباطات که حصارهای زمان و مکان درنوردیده شده، پدیده جنگ هم به امری فرازمانی و فرامکانی تبدیل گردیده است. دیگر نمی‌توان جنگ را منحصرأدر گستره جغرافیایی ویژه و در زمان معینی تعریف کرد. اگر در گذشته این محدودیت‌ها، طرف‌های جنگ را برای به دست آوردن منافع موردنظر دچار تردیدها و مشکلاتی می‌کردند، امروز دیگر می‌توان از جنگی مستمر، همه‌جانبه و در تمام لحظات و ساعت‌ها سخن گفت.

مؤلفه دیگری که این امر را تشدید کرده است، وابستگی بسیاری از نیازهای حیاتی بشر به فناوری‌های ارتباطی است. این فناوری‌ها به‌عنوان زیرساخت‌هایی که کار مدیریت و برنامه‌ریزی و خدمت‌دهی در زندگی روزانه مردم را بر عهده دارند، بسترهای طمع و وسوسه طرف‌های منازعه را برای تخریب اراده طرف مقابل و تحمیل اراده خود و ایجاد تفوق و سیطره فراهم آورده است. در عصر اطلاعات تقریباً تمامی امور زندگی انسان‌ها به‌نوعی با سیستم‌های دیجیتالی و رایانه‌ای گره خورده است. از این‌رو هرگونه ایجاد اختلال در این سیستم‌ها می‌تواند به‌نوعی در به هم زدن نظم اجتماعی و امنیت ملی کشورها مؤثر باشد. هر چقدر که این جوامع از لحاظ فناوری پیشرفته‌تر باشند در برابر این تهدیدها آسیب‌پذیرترند. جنگ در این عصر تبدیل به امری پیچیده، مستمر و جاری شده است و شاید بتوان گفت، دیگر جنگ را نباید در زمان و مکانی خاص جستجو کرد، بلکه باید آن را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های همیشه در جریان و روزمره زندگی پذیرفت (دنینگ، ۱۳۸۳: ۳۰-۴۰). همچنین از لحاظ اقتصادی در جنگ‌های گذشته، برای دولت‌ها پرداخت و تأمین هزینه جنگ بسیار سخت بوده، اما در زمان حاضر با توجه به اینکه جنگ از انحصار دولت‌ها تا حدی خارج شده است و بازیگران غیردولتی به عرصه جنگ وارد شده‌اند و هزینه جنگ را از راه‌های غیرقانونی تأمین می‌کنند به همین دلیل جنگ‌های امروزی برخلاف جنگ‌های گذشته طولانی‌مدت هستند (مونکلر، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۵). دلیل عمده این مطلب این است که دیگر تعریف دولت فرق کرده است، امروزه شرکت‌ها، تراست‌ها و غیره مدیریت جهان را بر عهده گرفته‌اند؛ بنابراین جنگ‌هایی که امروزه در جهان رخ می‌دهند بسیار متفاوت از جنگ‌های قبل از انقلاب ارتباطاتی هستند. جنگ‌های امروزی به‌طور گسترده تحت تأثیر فناوری ارتباطاتی بوده، که می‌توان جنگ سایبر را نماد استفاده از فناوری ارتباطات در جنگ دانست.

1. Herfried Munkler

انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات

جهان در عصر جدید شاهد دگرگونی عظیمی در بخش علوم و فنون است که در کانون آن علوم و فنون مربوط به اطلاع‌رسانی قرار دارد و در حال تغییر سریع چهره جوامع بشری است. از فوریه ۱۹۴۶ که اولین رایانه پدید آمد تا به امروز که بیش از یک‌صد میلیون نفر از اینترنت استفاده می‌کنند، پیشرفت سریع فنون اطلاعاتی، زمینه انقلاب تازه‌ای را فراهم آورده است (امیدوارنیا، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۹). اکنون تغییرات در فناوری ارتباطات به سرعت رخ می‌دهد، به طوری که بیشتر از یک «انقلاب ارتباطاتی» صحبت می‌شود (سورین و تانکار، ۱۳۸۴: ۲۴). گذار از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی، تغییراتی اساسی در شیوه جنگ‌ها پدید خواهد آورد. انقلاب اطلاعاتی و ارتباطاتی محصول پیشرفت‌های صورت گرفته در فناوری رایانه، محور اطلاعات و ارتباطات است. البته، اندیشمندانی چون آلوین تافلر پیدایش چنین عصری را در قالب نظریه‌هایی همچون «موج سوم» گوشزد کرده بودند. همان‌گونه که ویلیام پری^۱ وزیر دفاع وقت ایالات متحده در پنجم ماه می سال ۱۹۹۴ یادآور شد که «ما در جهانی به سر می‌بریم که اطلاعات، آن را به پیش می‌برد». این دوره‌ای است که آلوین تافلر آن را موج سوم می‌نامد. توانایی کسب و مبادله حجم عظیم اطلاعات و نیز توانایی محاسبه و تحلیل آن‌ها و طراحی سامانه‌های انتقال تحلیل‌ها و نتایج به کاربران، رخدادهای فناورانه هستند که در حال دگرگونی‌سازی سیمای جنگ‌ها و چگونگی کسب آمادگی نظامی می‌باشند (محمدی، ۱۳۸۱: ۲۵). واقعیت آن است که از میان همه انقلاب‌های که در قرن بیستم رخ داده است، هیچ‌یک در تاریخ بشری تأثیری به ماندگاری انقلاب جاری در فناوری اطلاعات و ارتباطات نداشته است. مرزهایی که زمانی وجود داشتند تا انسان‌ها را از نظر ماهیت‌های جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جدا سازند اینک از بین رفته‌اند. فناوری‌های جدید هیچ احترامی برای مرزهای اقتدار و حاکمیت قائل نیستند (بیات، ۱۳۸۵: ۱۱). از دیدگاه فناوری، انقلاب ارتباطات ترکیبی از سه جزء اصلی متمایز و درعین حال مرتبط با هم است: نخست توسعه سریع و قابل اتکای سیستم‌های ارتباطات دوربرد مانند تلفن، فاکس، ماهواره‌های مخابراتی، تله‌تایپ ... دوم، تحول سریع و گسترده فناوری ارتباطات صوتی-تصویری نظیر ایستگاه‌های رادیویی، تلویزیونی، ویدئوکاست، تلویزیون کابلی و ماهواره‌های تلویزیونی و سوم تمهیدات و شیوه‌های شمارشگری و محاسبه برای تجزیه و تحلیل داده‌ها (پورحسن، ۱۳۷۷: ۴۹)؛ بنابراین انقلاب ارتباطات، اساساً بر آن دسته پیشرفت‌های مهم فناوری پایه می‌گیرد که توانایی ما را در زمینه‌های زیر ارتقا داده است:

1. William Perry

- گردآوری حجم عظیمی از داده‌های دقیق؛
- تبدیل این داده‌ها به اطلاعات قابل فهم؛
- تبدیل سریع و دقیق این حجم عظیم اطلاعات به آگاهی تقریباً کامل از موقعیت به کمک فرآیند پردازش سیال و حساسیت‌دار اطلاعات؛
- و در نهایت، فراهم‌سازی امکان پیش‌بینی دقیق پیامدهای تصمیمات یا اقدامات احتمالی (سیف‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۶۷).

در مجموع پیشرفت‌های مرتبط با فناوری اطلاعات در جهان امروز به حدی گسترده است که برخی از صاحب‌نظران همچون «دانیل بل»^۱ و «مانوئل کاستلز» ابداع این فناوری نوین را با اختراع ماشین بخار توسط «جیمز وات»^۲ که انقلاب صنعتی را برای بشر به ارمغان آورد، مترادف دانسته‌اند. مانوئل کاستلز در کتاب مشهور و ارزشمند خود «عصر اطلاعات» که تحولات جهانی را در حوزه‌های اقتصاد، جامعه و فرهنگ، بر اساس توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات تبیین می‌کند، ظهور جامعه شبکه‌ای را سرآغاز دگرگونی‌های همه‌جانبه در این عصر می‌نامد. وی شبکه‌های اطلاعات و ارتباطات را عنصر اصلی تمامی کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی در اواخر سده بیستم می‌داند (ناجی‌راد، ۱۳۸۴: ۱۷۲-۱۷۳).

انقلاب اطلاعاتی و ارتباطاتی، معرف فناوری‌هایی است که سبب بروز تحولی عمده در ساختار قدرت گردیده و ارکان سه‌گانه انقلاب صنعتی را که شامل حاکمیت ملی، اقتصاد ملی، قدرت نظامی و استراتژیک بود تغییر داده است. رابرت کوهین^۳ و جوزف نای^۴ معتقدند که انقلاب اطلاعاتی و ارتباطاتی به‌عنوان پدیده‌ای ملموس، فراگیر و اثرگذار، تأثیر بسزایی بر منابع قدرت می‌گذارد (هیبلزگری، ۱۳۸۱: ۸۴) و باعث تحول عمده در ماهیت و شکل جنگ و نظامی‌گری شده است.

۲. ۱. ویژگی‌های انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات

مهم‌ترین پدیده‌ای که در پی تحولات اجتماعی و فناورانه در اوایل دهه ۱۹۷۰ آغاز شد انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات بود، که دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. اطلاعات ماده خام آن است؛
۲. تأثیر فناوری‌های جدید: هیچ حوزه‌ای از زندگی بشر را نمی‌توان برکنار از آثار دور و

1. Daniel Bell
2. James Watt
3. Robert Cohen
4. Joseph Nye

نزدیک این تحول یافت؛

۳. منطق شبکه‌ساز هر سیستم که فناوری جدید اطلاعات و ارتباطات را مورد استفاده قرار می‌دهند؛

۴. انعطاف‌پذیری پارادایم فناوری اطلاعات و ارتباطات: در این پارادایم هم فرآیندهای جدید تغییرپذیر هستند، هم سازمان‌ها و نهادهای قدیم را می‌توان مجدد اصلاح و تغییر داد؛

۵. این انقلاب همگرایی فزایندهٔ رهیافت‌ها و فناوری‌های خاص است که در درون یک سیستم نوین و منسجم قرار می‌گیرند.

۲.۲. تأثیرات نظامی انقلاب اطلاعات و ارتباطات

فناوری اطلاعات و ارتباطات، همچنان که بر تمامی وجوه اجتماعی تأثیر گذاشته و جوامع را به سمت جوامع نوین اطلاعاتی سوق داده است، بر جنگ و مفاهیم مرتبط با آن نیز تأثیر گذاشته و یا خواهد گذاشت. در عصر اطلاعات، مفاهیم سنتی جنگ که در عصر صنعت رایج بوده است، جای خود را به مفاهیم جدیدی داده است؛ به گونه‌ای که تحت عناوینی چون جنگ دیجیتال یا جنگ اطلاعات از آن یاد می‌شود.

همان‌طور که جنگ‌های «موج اول» یا دوران کشاورزی برای زمین، جنگ‌های «موج دوم» یا دوران صنعت در جهت کنترل ظرفیت تولید به اجرا درآمدند، جنگ‌های «موج سوم» یا دوران اطلاعات نیز برای کنترل دانش و اطلاعات است. از آنجایی که در هر جامعه‌ای شیوه نبرد تابع روش تولید ثروت است، در عصر اطلاعات نیز که ارزش‌های اطلاعاتی جایگزین ارزش‌های مادی می‌شوند، جنگ‌های اطلاعاتی بیش‌ازپیش معنا می‌یابد (تافلر و تافلر، ۱۳۷۵: ۴۰-۴۸)؛ بنابراین ارتباطات سریع و آنی به وسیله شبکه‌های جهانی، سبب بروز انقلاب در مسائل دیپلماتیک و نظامی شده است. این تغییرات وسیع و گسترده می‌تواند به سه جزء تقسیم شود: گردآوری و تحلیل اطلاعات، فرآیند تصمیم‌گیری و به راه انداختن جنگ. شبکه جهانی به دولت‌ها کمک می‌کنند حجم وسیعی از اطلاعات را برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل مختلف گردآوری و تحلیل کنند. زمانی که در دهه ۱۹۸۰ جنگنده شوروی هواپیمای مسافربری کره را سرنگون کرد، امکانات دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در گردآوری اطلاعات مشخص شد (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۲۴۰)؛ بنابراین شبکه جهانی ارتباطات و فناوری اطلاعات در حال تغییر دادن چهره جنگ‌های مدرن است. به‌عنوان مثال جنگ اطلاعات، که مفهومی قدیمی است با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات نقش و سهم بسزایی در جنگ ایفا می‌کند؛ به گونه‌ای که امروزه جنگ اطلاعات بُعد چهارمی به ابعاد سه‌گانه زمینی، دریایی و هوایی

جنگ اضافه کرده است. اگرچه تعریف دقیق و واحدی در مورد جنگ اطلاعات وجود ندارد، اما می‌توان گفت: جنگ اطلاعات مظهر تأثیر اطلاعات و ارتباطات بر عملیات نظامی است؛ به عبارت بهتر، هر اقدامی را که برای انکار، سوءاستفاده، تحریف، تخریب اطلاعات یا کارکردهای دشمن و همچنین حفاظت از خود در برابر این اقدامات و بهره‌برداری از عملیات اطلاعاتی خودی انجام می‌شود، جنگ اطلاعات گویند (Information Warfare, 1994).

واژه‌هایی همچون «جنگ رایانه» و «جنگ شبکه»، از مفاهیم رایج در جنگ اطلاعات است. به عقیده «جان آر کویلا» و «دیوید ران فلت» جنگ شبکه، نوعی مشاجره فکری در سطح اجتماعی است که بخشی از آن از طریق ارتباطات شبکه‌ای انجام می‌پذیرد. به احتمال قوی، جنگ شبکه‌ای یک مشاجره راهبردی بین کشورها است که هدف از آن ذهن بشر است.

الف) جنگ نرم

مفهوم جنگ نرم^۱ که در مقابل جنگ سخت^۲ مورد استفاده واقع می‌شود دارای تعریفی واحد که مورد پذیرش همگان باشد نیست و تا حدی تلقی و برداشت افراد، جریان‌ها و دولت‌های گوناگون از جنگ نرم متفاوت است. چراکه جنگ نرم مترادف اصطلاحات بسیاری در علوم سیاسی و نظامی است. در علوم نظامی از واژه‌هایی مانند جنگ روانی^۳ یا عملیات روانی استفاده می‌شود و در علوم سیاسی می‌توان به واژه‌هایی چون براندازی نرم، تهدید نرم، انقلاب مخملین و اخیراً به واژه انقلاب رنگین اشاره کرد. در تمامی اصطلاحات بالا هدف مشترک تحمیل اراده گروهی بر گروه دیگر بدون استفاده از راه‌های نظامی است؛ اما در مورد گستردگی و حوزه فعالیت هر کدام اتفاق نظر وجود ندارد.

جان کالینز^۴، نظریه‌پرداز دانشگاه ملی جنگ آمریکا، جنگ نرم را: «استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن را برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود» می‌داند (کالینز، ۱۳۷۰: ۴۸۷)؛ اما می‌توان به‌طور کلی جنگ نرم را این‌گونه تعریف کرد: «هرگونه اقدام نرم‌افزارانه اعم از: روانی، تبلیغاتی، رسانه‌ای، سایبری، دیجیتالی، اطلاعاتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و علمی است که جامعه یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی یا بهره‌گیری از روش‌های اقناع‌سازی و یا مدیریت احساسات و جذب، رقیب را به انفعال یا شکست وامی‌دارد» (تعریف جنگ نرم، ۱۳۸۸). در نتیجه هدف این جنگ تغییر کارکرد و عملکرد دولت‌ها و ملت‌ها در

1. Soft Warfare
2. Hard Warfare
3. Psychological Warfare
4. John M. Collins

پشتیبانی از دیگر دولت‌ها، و به‌ویژه کنترل افکار و اذهان عمومی مردم است؛ زیرا این ملت‌ها هستند که در اولین خط مقدم حمله دشمن قرار می‌گیرند؛ به‌گونه‌ای که این عقیده وجود دارد که اگر افکار و اراده عمومی را نسبت به موضوع یا جریان و پدیده‌ای بتوان اقناع کرد یا به سمت خواسته‌های خود جهت‌دهی کرد، مسلماً دولت‌ها تحت فشار افکار عمومی ملت‌ها به سوی اهداف دشمن سوق یافته و در آن جهت قرار خواهند گرفت (ضیایی‌پرور، ۱۳۸۳: ۱۲-۱۳). مخاطب جنگ نرم، مردم کشورهای هدف، مردم خودی و نیروهای عمل‌کننده دشمن هستند؛ به‌عنوان مثال در حوزه اقتصاد، اگر در گذشته برخی کشورها به تحریم برخی کالاهای صنعتی پرداخته و یا از جابه‌جایی برخی کشتی‌ها به‌سوی آب‌های کشورهای موردنظر جلوگیری می‌کردند، امروز تحریم‌های نرم و هوشمندانه‌ای همچون تحریم‌های مالی و پولی را در دستور کار خود قرار داده است. در نتیجه ساز و برگ نظامی، سیاسی و اقتصادی را که قدرت نرم نهفته در باورها، اعتقادات و آرمان‌های مردم و مسئولان است، به کار گرفته‌اند. درک همین موضوع است که در حوزه اقتصاد، با تغییر استراتژی، تحریم‌های نرم شامل تحریم‌های بانکی، بیمه‌ای و... را محور اصلی سیاست‌های خود قرار داده تا شاید از این طریق، بتواند قدرت اقتصادی کشور مقابل را مورد آسیب قرار دهد.

نابسامان و انمود کردن اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشورهای موردنظر از شیوه‌های مبارزه اقتصادی است. ریسک سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در کشورهای مخالف به شدت بالا می‌برند و فعالیت‌های اقتصادی در آن‌ها را ناامن جلوه می‌دهند. جین شارب و رابرت هلوی در این باره می‌نویسند: «... خارج کردن وجوه نقدی از بانک‌ها که به بحران مالی و نابسامانی وضعیت اقتصادی در سطح بین‌المللی منجر می‌شود نمونه‌هایی از پرهیز از همکاری اقتصادی هستند. علاوه بر این در عرصه بین‌المللی، تشویق شرکت‌ها و مراکز تجاری یا سازمان‌های غیردولتی به خودداری از همکاری با رژیم‌ها تأثیر بسیار زیادی بر دستیابی به هدف دارد و به تضعیف حاکمیت منجر می‌شود. بی‌ثباتی اقتصادی نه‌فقط به تضعیف تکیه‌گاه‌های قدرت منجر می‌شود، بلکه محدود کردن قدرت با این شیوه، توان ضربه زدن به مخالفان سیاسی و سرکوب آن‌ها را از حاکمیت می‌گیرد» (شارپ و هلوی، ۱۳۸۶: ۵۴).

در حال حاضر ۸۲ درصد سرمایه جهان، ۹۵ درصد فناوری و فناوری جهان و ۹۱ درصد صنعت جهانی در اختیار ۱۷ درصد از جمعیت جهان است که عمدتاً در هشت کشور صنعتی هستند. ۸۳ درصد جمعیت جهان، فقط ۱۸ درصد ثروت موجود در کره زمین و ۹ درصد صنعت و ۵ درصد فناوری و علم جهان را در اختیار دارد (رمضانی، ۱۳۹۱: ۵) و در بسیاری موارد این کشورهای صنعتی در جهت منافع خود به تقابل نرم اقتصادی با کشورهای دیگر روی می‌آورند

که در این زمینه بی‌شک جنگ نرم وقتی کارسازتر است که کشور مورد هدف هویتی نداشته و با کشورهای منطقه خود همگرایی مناسبی را برقرار نکرده باشد.

ب) تاکتیک‌های جنگ نرم

در هر جنگی از تاکتیک‌ها و ابزارهای مختلفی استفاده می‌شود. در جنگ نرم نیز از تاکتیک‌های مختلف برای رسیدن به هدف استفاده می‌شود که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- برچسب زدن: بر اساس این تاکتیک، رسانه‌ها، واژه‌های مختلف را به صفات مثبت و منفی تبدیل کرده و آن‌ها را به آحاد یا نهادهای مختلف نسبت می‌دهند. گاهی هدف از این عملکرد، آن است که ایده، فکر یا گروهی محکوم شوند، برای آنکه استدلالی در محکومیت آن‌ها آورده شود (کلانتری، ۱۳۸۸: ۱۴). لی^۱ در مقاله‌ای توضیح می‌دهد که چگونه اصحاب رسانه‌ها می‌کوشند تا با القاب مثبت و یا منفی، برداشت‌های اولیه ما را نسبت به موضوعات مورد نظر تحت تأثیر قرار دهند. او توضیح می‌دهد که به کارگیری بعضی عناوین مثبت، مانند دموکرات، آزادی‌خواه، نجات‌بخش و یا بعضی عناوین منفی مانند تروریست، متحجر، محور شرارت و... ممکن است ما را به نتیجه‌ای متفاوت سوق دهد و نوع برداشت ما را نسبت به یک فرد و یا مفهوم خاص متأثر سازد (Lee & Lee, 1993: 12).

- تلطیف و توویر: از تلطیف و توویر (مرتبط ساختن چیزی با کلمه‌ای پر فضیلت) استفاده می‌شود تا چیزی را بدون بررسی شواهد بپذیریم و تصدیق کنیم (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴: ۱۵۸).

- انتقال: انتقال یعنی اینکه اقتدار، حرمت و منزلت امری مورد احترام به چیزی دیگر برای قابل قبول تر کردن آن منتقل شود. استفاده از نمادهای مذهبی و یا ملی و انتساب به اشخاص و جریان‌هایی که مورد احترام توده‌های عمومی مردم هستند تاکتیک انتقال نامیده می‌شود (تجری غریب‌آبادی، ۱۳۸۹: ۶).

- تصدیق: تصدیق یعنی اینکه شخصی که مورد احترام یا منفور است بگوید فکر، برنامه یا محصول یا شخص معینی خوب یا بد است. تصدیق فنی رایج در تبلیغ، مبارزات سیاسی و انتخاباتی است (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴: ۱۶۵). به عبارت دیگر، فن تصدیق یا استناد، عبارت از آن است که یک شخص مورد احترام و یا منفور، فکر، برنامه و یا سیاست معینی را تأیید یا نفی کند» (Lee & Lee, 1993: 12). حمایت اشخاص معروف (سیاستمداران، هنرمندان، ورزشکاران، دانشمندان و...) و گروه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی از فردی یا جریان‌های تصدیق نامیده می‌شود.

1. Lee

- شایعه: شایعه در فضایی تولید می‌شود که امکان دسترسی به اخبار و اطلاعات موثق امکان‌پذیر نباشد. به عبارتی شایعه در جایی ایجاد می‌شود که خبر نباشد و یا خبر از منابع موثق منتشر نگردد. شایعه انتقال شفاهی پیامی است که برای برانگیختن باور مخاطبان و همچنین تأثیر در روحیه آنان ایجاد می‌شود. مطالب کلی شایعه باید حول محورهای اساسی و مهمی باشد که مخاطب نسبت به آن حساسیت بالایی دارد (سلطانی‌فر، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۴). هر شایعه می‌تواند دربرگیرنده بخش قابل توجهی از واقعیت باشد (تاکتیک تسطیح در شایعه‌سازی) ولی ضریب نفوذ آن بستگی به درجه ابهام و اهمیت آن دارد. در واقع هر چقدر شایعه پیرامون مسائل «مبهم» و «مهم» باشد همان مقدار ضریب نفوذ آن افزایش می‌یابد (محمدی‌نجم، ۱۳۸۴: ۲۵).

- کلی‌گویی: در واقع کلی‌گویی عبارت است از ایجاد ارتباط نظر و عملی خاص با مفهومی ویژه تا مخاطب بدون بررسی دلایل، شواهد و قرائن، آن نظر و عمل را بپذیرد. تاکتیک کلی‌گویی، تاکتیکی است که سعی می‌شود ذهن مخاطب متوجه حواشی و شاخ و برگ نشده و در رابطه با هسته مرکزی پیام، حساسیت نداشته و آن را بدون بررسی و کنکاش بپذیرد که به همین دلیل برخی این تاکتیک را «بی‌حس‌سازی مغزی» نیز می‌نامند (تجری غریب‌آبادی، ۱۳۸۹: ۶).

- دروغ بزرگ: این تاکتیک قدیمی که هنوز هم مورد استفاده فراوان است، عمدتاً برای مرعوب کردن و فریب ذهن حریف مورد استفاده قرار می‌گیرد. بدین معنی که پیامی را که به‌هیچ‌وجه واقعیت ندارد، بیان می‌کنند و مدام بر «طلیل تکرار» می‌گویند تا ذهن مخاطب آن را جذب کند. معروف‌ترین استفاده این تاکتیک در زمان آدولف هیتلر و توسط رئیس دستگاه تبلیغاتی نازی‌ها، گوبلز بوده است. گوبلز می‌گوید: «دروغ هر چه بزرگ‌تر باشد، باور آن برای مردم راحت‌تر است» (مرادی، ۱۳۸۸).

- پاره‌گویی حقیقت: گاهی خبر یا سخنی مطرح می‌شود که از نظر منبع، محتوای پیام، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته و مرتب است که اگر بخشی از آن نقل و بخشی نقل نشود، جهت و نتیجه پیام منحرف خواهد شد. این رویه رایج رسانه‌هاست که معمولاً متناسب با جایگاه و جناح سیاسی که به آن متمایل هستند، بخشی از خبر نقل و بخشی را نقل نمی‌کنند. خبر هنگامی کامل است که عناصر خبری در آن، به شکل کلی مطرح شوند؛ اما چنانچه یکی از عناصر خبری شش‌گانه (که، کجا، کی، چرا، چه، چگونه) در خبر بیان نشود، خبر ناقص است. در تاکتیک «پاره‌گویی حقیقت» حذف یکی از عناصر به‌عمد صورت می‌گیرد و بیشتر اوقات عنصر «چرا» حذف می‌شود (سلطانی و هاشمی، ۱۳۸۲: ۴۷).

- انسانیت زدایی و اهریمن‌سازی: یکی از مؤثرترین شیوه‌های توجیه حمله به دشمن به

هنگام جنگ (نرم و یا سخت)، «انسانیت‌زدایی» است. چه اینکه وقتی حریف از مرتبه انسانی خویش تنزیل یافت و در قامت اهریمنی در ذهن مخاطب ظاهر شد، می‌توان اقدامات خشونت‌آمیز علیه این دیو و اهریمن را توجیه کرد. در این تاکتیک با استفاده از برجسب‌زنی صفات منفی به حریف از جمله دزد، قاتل، دروغ‌گو و ... به توجیه حملات و تهاجمات علیه رقیب می‌پردازند. به‌عنوان نمونه قبل از حمله آمریکا به افغانستان و عراق، رسانه‌های ایالات متحده با استفاده از اخبار و القاب گوناگونی، تصویری مملو از رفتارهای تروریستی، وحشی‌گرانه و ضد انسانی از طالبان و صدام در ذهن مخاطبان خویش القا می‌کردند به‌گونه‌ای که تروریست و صدام مترادف قلمداد می‌شد.

- ارائه پیشگویی‌های فاجعه‌آمیز: در این تاکتیک با استفاده از آمارهای ساختگی و سایر شیوه‌های جنگ روانی (از جمله کلی‌گویی، پاره‌گویی حقیقت، اهریمن‌سازی و...) به ارائه پیشگویی‌های مصیبت‌بار می‌پردازند که بتوانند حساسیت مخاطب را نسبت به آن افزایش داده بر اساس میل و هدف خویش افکار وی را هدایت نمایند (آلپورت و پسمن، ۱۳۷۴: ۲۵).

- حذف (سانسور): در این تاکتیک سعی می‌شود فضایی مناسب برای سایر تاکتیک‌های جنگ نرم به‌ویژه شایعه خلق شود تا زمینه نفوذ آن افزایش یابد. در این تاکتیک با حذف بخشی از خبر و نشر بخشی دیگر به ایجاد سؤال و مهم‌تر از آن ابهام می‌پردازند و بدین ترتیب زمینه تولید شایعات گوناگون خلق می‌شود (سلطانی‌فر، ۱۳۸۵: ۱۶).

- ایجاد تفرقه و تضاد: از جمله اموری که در فرآیند جنگ نرم مورد توجه واقع می‌شود، تضعیف از طریق تزریق تفرقه در جامعه هواداران و حامیان حریف است. ایجاد و القاء وجود تضاد و تفرقه در جبهه رقیب باعث عدم انسجام و یکپارچگی شده و رقیب را مشغول مشکلات درونی جامعه حامیان خود می‌کند و از این طریق از اقتدار و انرژی آن کاسته و قدرتش فرسوده شود (Sepal, 2002: 6). ایجاد تفرقه و تضاد موجب ایجاد «گسست» شده و در جامعه‌ای که به لحاظ طبیعی این گسست‌ها وجود داشته باشند، تقویت می‌شوند؛ از قبیل گسست قومیت، مذهب، دین، جنسیت، زبان، نژاد و ...

- تکرار: برای زنده نگه‌داشتن اثر یک پیام با تکرار زمان‌بندی‌شده، سعی می‌کنند این موضوع تا زمانی که مورد نیاز است، زنده بماند. در این روش با تکرار پیام، سعی در القای مقصودی معین و جا انداختن پیامی در ذهن مخاطب دارند (کاویانی، ۱۳۸۰: ۱۲۰). تکرار از لحاظ روان‌شناسی در تشکیل «عادت» بسیار مفید است به‌ویژه اگر با دقت توأم باشد. بدون تکرار، تثبیت و تقویت دقیق‌تر، «عادت» میسر نخواهد شد. روش تکرار از قواعد خاصی پیروی می‌کند زیرا فاصله‌های تکرار، نباید چنان دراز باشد که سبب محو شدن آثار قبلی شود و

نه چندان کوتاه باشد که ملال‌انگیز و خسته‌کننده شود (دادگران، ۱۳۸۲: ۳۵)؛ به عبارت دیگر، تکرار مثل ضربه‌های پیاپی چکش است که سرانجام میخ را می‌کوبد و به داخل می‌راند؛ بنابراین فرستنده پیام امیدوار است که این شکلی از ضربه زدن مداوم، باعث دریافت نکات پیام شود.

- توسل به ترس و ایجاد رعب: در این تاکتیک از حربه تهدید و ایجاد رعب و وحشت میان نیروهای دشمن، به منظور تضعیف روحیه و سست کردن اراده آن‌ها استفاده می‌شود. متخصصان جنگ نرم، ضمن تهدید و ترساندن مخاطبان به طرق مختلف به آنان چنین القاء می‌کنند که خطرات و صدمه‌های احتمالی و حتی فراوانی بر سر راه آنان ممکن است آینده‌ای مبهم و توأم با مشکلات و مصائب را برای افراد ترسیم کند (شیرازی، ۱۳۷۶: ۲۰).

- مغالطه: مغالطه شامل گزینش و استفاده از اظهارات درست یا نادرست، مشروح یا مغشوش و منطقی یا غیرمنطقی است، به این منظور که بهترین یا بدترین مورد ممکن را برای یک فکر، برنامه، شخص یا محصول ارائه داد. متخصصین جنگ نرم، مغالطه را با «تحریف» یکسان می‌دانند. این روش، انتخاب استدلال‌ها یا شواهدی است که یک نظر را تأیید می‌کند و چشم‌پوشی از استدلال‌ها یا شواهدی که آن نظر را تأیید نمی‌کند (سورین و تانکارد، ۱۳۸۸).

۳. جنگ نرم و انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات

عصر حاضر، در پرتو دانش و فناوری، شاهد تحولات بی شماری است که گسترش امکانات ارتباطی در رأس آن‌ها قرار دارد. در چنین شرایط زمانی، اینترنت، ماهواره‌ها و رسانه‌های گوناگون با انتقال اطلاعات هم‌زمان، معلومات و مبادله افکار و عقاید نقش زیادی در تحولات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دارند (رفیعی، ۱۳۸۲: ۱۳). پیشرفت فناوری و در راستای آن توسعه وسایل ارتباطی - اطلاعاتی، که رابطه‌ای مستقیم با مردم دارند و بر افکار عمومی مؤثرند، بیانگر اهمیت آن در تمامی ابعاد جامعه جهانی است. به قول کارشناسان ارتباطات، قرن حاضر، عصر تبادل اطلاعات^۱ است؛ بنابراین امروزه کشورها برای دستیابی به اهداف و منافع خود در سایر نقاط جهان، از این فناوری‌ها بهره‌های فراوان می‌برند. از جمله مواردی که این فناوری‌ها به کار گرفته می‌شوند، جنگ نرم است.

۳.۱. فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی به مثابه قدرت نرم

انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی، معرکه فناوری است که سبب بروز تحولی عمده در ساختار قدرت گردیده و ارکان سه گانه انقلاب صنعتی را که شامل حاکمیت ملی، اقتصاد ملی و قدرت

نظامی و استراتژیک بود تغییر داده است. رابرت کوهین و جوزف نای معتقدند که انقلاب اطلاعاتی و ارتباطی به عنوان پدیده‌ای ملموس، فراگیر و اثرگذار، تأثیر بسزایی بر منابع قدرت می‌گذارد چنانکه در قرن ۲۱، احتمالاً فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی، مهم‌ترین منبع قدرت شناخته خواهند شد. قدرت نرم‌افزاری به گونه‌ای محسوس در اقناع فرهنگ از طریق برنامه‌های تلویزیونی اثرگذار است و تردیدی نیست که سازوکارهای فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی، همچون ماهواره و پرتو امواج نامرئی شبکه‌های الکترونیکی جهانی، تاروپودهای قدرت تمدن‌های آینده را تشکیل خواهند داد؛ بنابراین در عصر انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی، دسترسی به قدرت فناوری اطلاعاتی، اصلی‌ترین ابزار برخورداری از قدرت نرم و آرام یا قدرت معنوی در مقابل قدرت سخت و خشن و یا قدرت مادی است. شایان ذکر است که عملکرد قدرت سخت و خشن برای اجبار دیگران به انجام کاری، از طریق به کارگیری تهدیدات یا امتیازات استوار است؛ درحالی که قدرت نرم و آرام، از طریق جذب و متقاعد کردن دیگران به پیروی و پذیرفتن ارزش‌ها، اصول، قواعد و نمادهای قدرت مذکور به اهداف ملی و بین‌المللی خود نائل می‌شود (Keohane and Nye, 1998: 81).

بر اساس آنچه ذکر شد، با ظهور و گسترش روزافزون انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی، طبیعت سیاست‌ها و الگوهای اعمال قدرت، متحول شده و ضرورت توسعه شیوه‌های الکترونیکی و رایانه‌ای بر همگان آشکار گردیده است، چراکه استفاده‌کنندگان را قادر ساخته تا بتوانند به بهترین نحو ممکن بهره کافی ببرند. تحولات شگرفی که در فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی رخ داده، نظیر انفجار اطلاعات، و انقلاب اطلاعاتی و تأثیراتی که رسانه‌ها در شکل‌گیری افکار عمومی جهانی داشته‌اند (به‌ویژه پس از توسعه فناوری‌های عظیم ارتباطی) در کنار پیدایش جامعه اطلاعاتی دیگر اموری عادی به نظر می‌رسند و نیازی به بحث و گفتگوی بیشتر ندارند. شبکه‌های رایانه‌ای، ماهواره‌ها، تلویزیون‌های جهانی، بسیاری از مفروضات و اصول پیشین قدرت را به چالش طلبیده‌اند (هیبلزگری، ۱۳۸۱: ۴۸) و چنان جغرافیای جدیدی از مناسبات قدرت را در سطح جهان پدید آورده‌اند که تا بیست سال پیش حتی تصورش هم غیرممکن بود. جغرافیای جدید، جغرافیایی است، مجازی و بن‌مایه مقاومت‌های سیاسی و فرهنگی که ناگزیر باید در همین فضای الکترونیکی عرض‌اندام کند (خرازی، ۱۳۸۲: ۲۶۴). امروزه، اهمیت فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی به‌خصوص رسانه‌های نوین از کارویژه خاص خود به‌عنوان کانال‌هایی نشئت می‌گیرد که سیاستمداران و دولتمردان از طریق آن‌ها می‌کوشند تا مخاطبان آن سوی مرزها را تحت تأثیر قرار دهند؛ چراکه رسانه‌ها ابزار مناسب قدرت نرم محسوب می‌شوند که از توانایی لازم و مؤثری برای نفوذ در افکار عمومی آن سوی مرزها برخوردارند (کاروثر، ۱۳۸۱: ۱۹۳). این ویژگی

وسایل ارتباطی - اطلاعاتی جدید زمینه‌ساز به کارگیری گسترده و روزافزون جنگ نرم و اقیانوس افکار عمومی کشورهای هدف (آماج) شده است.

۲.۳. جنگ نرم در عصر ارتباطات - اطلاعات

امروزه جنگیدن با استفاده از اصول و ابزارها و شیوه‌های جدید نبرد، از قبیل جنگ اطلاعاتی، استعمار نو، آپارتاید اطلاعاتی، سیاست‌های الکترونیکی و غیره در جهت اعمال قدرت ظاهراً خیرخواهانه و سالم تر ولی در عین حال با قدرت عمل و تخریب بیشتری صورت می‌گیرد (پورا احمدی، ۱۳۸۱: ۵۲). پل ویریلیو^۱ در این باره می‌گوید: «اینک دیگر جنگ بدون بازنمایی و تسلیحات پیشرفته، بدون تأثیرگذاری روانی معنا ندارد. سلاح به همان اندازه که از خصیصه ویرانگری برخوردار است با قوه ادراک نیز پیوند دارد» (هیلزگری، ۱۳۸۱: ۴۸). در اینجا اشاره ویریلیو به استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و بهره‌گیری از آن‌ها در جنگ نرم در کنار جنگ فیزیکی مطرح می‌شود.

گفتنی است پیشرفت علم و تغییر ماهیت اطلاعات به حدی رسیده که دقایقی پس از وقوع یک حادثه در نقطه‌ای از جهان، تنها به باری اینترنت می‌توان از تمام جزئیات اخبار مطلع شد (کیا، ۱۳۸۲: ۷۴). اهمیت رسانه‌های نوین و تأثیر بسزایی که انواع آن‌ها، به ویژه شبکه‌های خبری ماهواره‌ای و اینترنت در پیشبرد جنگ نرم توسط دولت‌ها دارند، به ویژگی‌های جدید آن‌ها برمی‌گردد.

در عصر ارتباطات و اطلاعات، رسانه‌های نوین، جغرافیای جنگ را گسترش داده اند. به بیان روشن‌تر، صحنه جنگ دیگر محدود به میدانی نزار و درگیری نیست، بلکه مردمی که تصاویر زنده جریان نبرد را از گیرنده‌های خود دریافت می‌کنند، به نوعی خود را در همان فضا احساس می‌کنند. رسانه‌ها قادرند تصاویر، اخبار، گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی را گزینش و پخش کنند که افکار عمومی بین‌المللی را در سمت و سوی مورد نظر خود راهبری کنند و حتی نقشی به مراتب بیش از آنچه تاکنون مطرح شده، ایفا کنند. این بعد از اثرگذاری رسانه‌های جنگ‌های خلیج فارس به خوبی مشخص شد. تصرف کویت توسط عراق و سپس آزاد شدن آن نشان داد که یک دولت می‌تواند باقی بماند حتی اگر به طور فیزیکی توسط کشور دیگری اشغال شده باشد. اگر دولتی بتواند بر صفحه تلویزیون وجود داشته باشد، قادر است به موجودیت و نقش آفرینی خود ادامه دهد.

سرزمین کویت اشغال شد، اما دولت آن همچنان در قلمرو رسانه‌ها باقی ماند. امیر کویت در

1. Paul Virilio

مدت زمانی که کشورش به اشغال کشور عراق درآمده بود، شرکت هیل - نولتون را با هزینه‌ای معادل ۱۰/۸ میلیون دلار به خدمت گرفت. شرکت مذکور که انتقال پیام‌های رژیم کویت را بر عهده داشت، با هدف افزایش تنفر از صدام و ایجاد همدردی با قربانیان تجاوز عراق، در یک جنگ نرم، برنامه‌هایی را پیرامون سوءاستفاده‌های جنسی سربازان عراقی از کودکان کویتی پخش کرد؛ این نوع برنامه‌ها در مقایسه صدام با هیتلر نقش مؤثری داشت (عسگری، ۱۳۸۲: ۶۳). از دیگر ویژگی‌های جنگ نرم جدید غربال‌گری، تحریف و دست‌کاری اطلاعات از سوی رسانه‌هاست. والتز^۱ معتقد است که در دنیای امروزی، اثربخشی جنگ نرم رسانه‌ها بیش از هر چیز منوط به غربال‌گری اطلاعات سرسام‌آوری است که منابع خبری درباره گروه‌ها، اقوام و ملل آماج جمع‌آوری می‌کنند. به‌طور مثال غربال‌گری، تحریف و دست‌کاری اطلاعات از جمله ترفندهای روانی مرسوم است که در عملیات رسانه‌های آمریکا علیه مارکوس در فیلیپین و نیز در عملیات آن کشور در هائیتی، پاناما، حمله هوایی به لیبی، عملیات توفان صحرا و حمله به عراق از آن بهره‌فرآوان بردند. به تعبیر پترسون^۲ رسانه‌ها با دست‌کاری و تحریف، اطلاعات سفید را سیاه، زشت را زیبا، اشغالگری را آزادی‌بخشی، آزادی‌خواهی را تروریسم و ... می‌نامند و شگفت آنکه افکار عمومی نیز ناهشیارانه مفتون این عملیات فریب‌آمیز روانی می‌شوند (الیاسی، ۱۳۸۲: ۲۴۲-۲۴۶).

با توجه به نقش پراهمیت فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی در جنگ نرم اکنون دولت‌ها با استفاده از این ابزار به شیوه‌های گوناگون روحیه طرف مقابل را تضعیف می‌کنند. فرستادن پیام از طریق پست الکترونیکی برای ترغیب مقامات و نظامیان به تسلیم در مقابل دریافت پول، انتشار اخبار کذب مربوط به تسلیم شدن برخی رهبران و فرماندهان و ... نمونه‌ای از راهکارهایی است که دولت‌ها از فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی در جنگ نرم مورد استفاده قرار می‌دهند. لازم به ذکر است که در تهاجم اخیر آمریکا به عراق نیز از این شیوه استفاده گردید (عسگری، ۱۳۸۲: ۶۱).

۴. تأثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات بر جنگ نرم

در چارچوب فروپاشی شوروی، فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی فاصله ایجاد شده میان توانمندی‌ها و قدرت رقابت اقتصادی غرب و شرق را که پیش‌تر از سال ۱۹۸۰ شروع شده بود، افزایش داد. در واقع شوروی سابق، اهمیت چندانی برای انقلاب ارتباطی - اطلاعاتی قائل نبود و

1. Waltz
2. Peterson

نه تنها توانایی پیوستن به این انقلاب را نداشت، بلکه به نوعی حتی در مقابل آن مقاومت هم می‌کرد. به دنبال ایجاد جنگ اطلاعاتی غرب، جنگ نرم از طریق فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی و در رأس آن ایالات متحده آمریکا علیه شوروی سابق، تبلیغات ضد کمونیستی افزایش یافت و در اذهان عموم، چهره‌ای امیدبخش و آزادی‌بخش از غرب متصور شد. ناتوانی یا عدم تمایل شوروی، خصوصاً در زمان گورباچف در جلوگیری از اشاعه اطلاعات و دانش در میان شهروندان نظام کمونیستی، به فروپاشی این نظام و سایر اجزاء و بخش‌های دولت‌های کمونیستی شرقی انجامید. در پی این رویداد تشکیل احزاب سیاسی جدید از سوی رسانه‌های اطلاعاتی غربی تشویق گردید و به یمن فناوری‌های اطلاعاتی، موج تحولات و تغییرات آرام و غیرخشونت‌آمیز مردم و نیروهای اصلاح‌طلب این کشورها، به‌طور کاملاً گسترده هدایت شدند. این گونه فناوری‌ها توانستند توانایی رهبران مخالف در سازمان‌دهی و جلب حمایت از آن‌ها را تقویت کنند، به‌طوری که از طریق ارسال تصاویر تلویزیونی در سراسر جهان، توانایی و راهکارهای رهبری حکومت‌های موجود در این کشورها را تضعیف کردند. به‌خصوص با پخش تصاویر عملیات رهبران مخالف و مردم و عملیات کشورهای غربی در حمایت از این گونه مخالفت‌ها به اهداف خود نزدیک‌تر شدند (پوراحمدی، ۱۳۸۱: ۵۶-۵۷). چنانکه مشاهده می‌شود، به دنبال عدم بهره‌مندی اتحاد شوروی از رشد و توسعه و دستاوردهای انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی، حتی از توان عظیم نظامی خود نیز نتوانست استفاده کند.

در واقع دور از واقع نیست اگر گفته شود که فروریختن دیوار برلین، از وجود دستگاه‌های اطلاع‌رسانی بین‌المللی، تلویزیون و فاکس بهره‌برداری کرده است. در پراگ به سال ۱۹۸۸، تظاهرات کنندگان و معترضان به حاکمیت کمونیست‌ها، در مقابل دوربین‌های شبکه تلویزیونی سی.ان.ان راه می‌رفتند و در اعتراض به پلیس ضد شورش چکسلواکی شعار می‌دادند: جهان شما را می‌بیند. مردم دیگر کشورهای اروپای شرقی نیز حرکت ضد کمونیستی و تلاش در این جهت را از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی تماشا می‌کردند؛ بدین ترتیب جدیت و شجاعت شورش و اعتراض در میان آن‌ها نیز تقویت می‌گردید (پوراحمدی، ۱۳۸۱: ۶۰).

در جنگ خلیج فارس نیز تغییرات فناورانه (هم‌زمان‌سازی وقوع یک رویداد و گزارش آن در پخش تلویزیونی)، پوشش خبری ۲۴ ساعته تلویزیون جهانی و شبکه خبری کابلی سی.ان.ان از جنگ خلیج فارس، زمینه بروز حادثه‌ای رسانه‌ای در مقیاسی وسیع و با پوششی تقریباً گسترده را فراهم آورد (گرمین و مک‌لین، ۱۳۸۲: ۲۸۵). جنگ خلیج فارس پیروزی تصویر بر واقعیت و منطق را به نمایش گذاشت. در آن جنگ، فناوری‌های نوین ارتباطی این امکان را فراهم کرد که واژه‌ها و تصاویر، در زمان مناسب برای صدها میلیون نفر در سراسر جهان مخابره شود.

تصویر آن‌چنان بیننده را محصور خود می‌کند که گویی ما خود شاهد آن بوده‌ایم، بلکه انگاره‌هایی که بدین منظور برنامه‌ریزی شده بودند تا حس پیروزی را به مخاطب القاء کند و به نتیجه‌ای نائل شود که واقعیت و منطق نمی‌توانست به آن دست یابد (تافلر، ۱۳۷۲: ۱۳).

در جنگ دوم آمریکا با عراق، نقش فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی در ایجاد جنگ نرم علیه رژیم صدام وارد مرحله‌ای جدید با ابعاد گسترده‌تر شد. رسانه‌های غربی، قبل از حمله آمریکا به عراق طی برنامه‌ریزی هماهنگی، جنگ نرم همه‌جانبه‌ای را علیه این رژیم به راه انداخته و افکار عمومی جهان را بر ضد این کشور تحریک کردند. در هنگام جنگ نیز رسانه‌های غربی اخبار یک‌سویه‌ای از وقایع جنگ ارائه می‌دادند و به القاء پیروزی سریع و قاطعانه نیروهای ائتلاف می‌پرداختند. نیروهای ائتلاف علاوه بر تأسیس رادیو در عراق، از اینترنت نیز با هزینه بسیار پایین و تجهیزات کم حجمی چون دوربین و رایانه همراه که امکان ارائه گزارش از خط مقدم را برای شبکه‌های خبری فراهم می‌کرد، استفاده‌های زیادی کردند (خرازی، ۱۳۸۲: ۴۲). فناوری‌های ماهواره‌ای و رایانه‌ای، فضای سایبرنتیکی خاصی را به وجود آوردند طوری که برای خانواده‌هایی که به تلویزیون و رایانه دسترسی داشتند، مرز میان واقعیت و مجاز درهم‌ریخته بود. آن‌ها با ارسال تصاویر مستقیم جنگ، احساس حضور در صحنه نبرد را به مردم القاء کرده و آن‌ها را در نبرد ضد دشمن با خود همراه می‌کردند (مسعودی، ۱۳۸۲: ۱۳۸).

در حمله نظامی سال ۲۰۰۳ نیروهای ائتلاف علیه عراق ارسال پست الکترونیکی به نظامیان بلندپایه عراقی و تحریک آنان به نافرمانی علیه دستورات نظامی، از موارد دیگر استفاده از اینترنت در جنگ نرم بود. هم‌چنان‌که اشاره شد، طی دو جنگ آمریکا علیه عراق، در سال‌های (۱۹۹۱) و (۲۰۰۳)، وسایل ارتباط جمعی آمریکا برای فریب و اغوای مخاطبان، جنگ نظامی را به عرصه جنگ رسانه‌ای کشاندند. در این نبرد تبلیغاتی، استفاده از روش‌های تصویرسازی رسانه‌ای و دور کردن ذهن مخاطبان از واقعیت جنگ مورد توجه واقع شد، به‌خصوص در جنگ دوم که این مورد پیشرفته‌تر و تکامل‌یافته‌تر بود. نیروهای ائتلاف برای تخریب روحیه دشمن و القاء شکست به آن‌ها و همچنین معرفی خود به‌عنوان ناجی عراقی‌ها از شردیکتاتوری حاکم، از فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی جدید بهره‌های فراوان بردند؛ در واقع اثربخشی این فناوری‌ها، در جنگ نرم علیه دشمن آزمایش گردید.

۴. ۱. جنگ‌های متأثر از انقلاب در فناوری اطلاعات و ارتباطات

انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات، امروزه باعث به وجود آمدن اشکال جدیدی از درگیری و جنگ شده است یا اینکه اشکال قدیمی جنگ را دچار تغییر و تحولات عمده‌ای قرار داده است.

الف) جنگ اطلاعاتی

از آنجا که اطلاعات و فناوری‌های ارتباطاتی، نقش غیرقابل انکاری در امنیت ملی کشورها و به‌ویژه در جنگ‌های آینده پیدا کرده‌اند، رویارویی اطلاعاتی از اهمیت و ارزش خاصی برخوردار شده است؛ به طوری که پیش‌بینی می‌گردد، یکی از اهداف مهم در منازعات آینده، سامانه‌های اطلاعاتی باشند. به همین دلیل برتری ارتش‌های آینده در تسلط به شگردهای مختلف جنگ اطلاعاتی، یک برگ برنده محسوب خواهد شد. به اعتقاد پژوهشگران تسلط به شیوه‌های جنگ اطلاعاتی در نبردهای آینده تأثیر شگرفی در پیروزی خواهد داشت.

این نوع جنگ آن‌چنان طیف وسیعی دارد که هیچ کارشناسی نمی‌تواند تعریف روشنی برای آن ارائه دهد، چه رسد به این که کارشناسان نظامی درباره آن به یک تعریف مشخص برسند؛ زیرا اصطلاح جنگ اطلاعاتی، طیف بسیار گسترده‌ای را در بر گرفته که شامل موارد سنتی مانند جنگ «فرماندهی و کنترل» و جنگ الکترونیکی می‌شود. این حوزه‌ها، ارتباطی دوطرفه با انقلاب اطلاعات و ارتباطات دارند. انقلاب اطلاعات و ارتباطات از یک سو باعث تکامل هر چه بیشتر و بهتر آن‌ها شده و از سوی دیگر خود آن‌ها جزء پیش‌برنده‌های انقلاب اطلاعات و ارتباطات محسوب می‌شوند. در این جنگ این احتمال وجود دارد که دشمنان بالقوه با استفاده (سوءاستفاده) از ابزارها و فنی مرتبط با انقلاب اطلاعات و فناوری ارتباطات، دارایی‌های راهبردی ملی یکدیگر را مانند زیرساخت‌های ملی و نظامی، در معرض نابودی قرار دهند. در چنین جنگی، هدف تخریب و انفجار نیست بلکه هدف، ایجاد اختلال گسترده در اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان دارایی‌های راهبردی ملی دیگر کشورها است. جنگ اطلاعاتی هم اشاره به اهداف و هم ابزارهای هدایت برای حمله به آن دارد. یک دشمن می‌تواند زیرساخت اطلاعاتی را مورد هدف قرار دهد یا از اطلاعات به‌عنوان یک ابزار برای کمک به تخریب نیروهای مسلح دشمن استفاده کند (Nye & Owens, 1996: 23).

مارتین لیبیک،^۱ از محققان پژوهش‌گده مطالعات راهبردی وابسته به دانشگاه دفاع ملی آمریکا، در کتاب «جنگ اطلاعاتی چیست؟» می‌نویسد: «تلاش برای درک مفهوم جنگ اطلاعاتی مانند این است که چند نفر نابینا بخواهند با لمس اعضای مختلف بدن یک فیل بگویند که این موجود چیست؟ کسی که پایش را لمس کند می‌گوید این یک درخت است، نفر دیگر که دم آن را لمس کرده می‌گوید این یک طناب است و... جنگ اطلاعاتی نیز مشابه یک فیل شامل اجزای مختلف و متعدد است؛ بنابراین هنگام تعریف این مفهوم باید نگرش جامع داشت تا همه ابعاد آن هم‌زمان مدنظر قرار گیرند» (مرادبان، ۱۳۸۷: ۹).

نیروی هوایی آمریکا، به‌عنوان یک نیروی آینده‌نگر و پیشرو در آمریکا، در سندی تحت

1. Martin Libicki

عنوان «سنگ بنای جنگ اطلاعاتی» تعریف زیر را از جنگ اطلاعاتی ارائه داده است: جنگ اطلاعاتی عبارت است از: «هر اقدامی که برای دسترسی، بهره‌برداری، ایجاد اختلال و تخریب و حذف اطلاعات دشمن و حفاظت از اطلاعات خودی در برابر اقدام‌های مشابه از سوی دشمن، صورت می‌گیرد» (امیدوارنیا، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

برخی دیگر، جنگ اطلاعاتی را نوعی از جنگ می‌دانند که هدف آن، از بین بردن اطلاعات و سیستم‌های اطلاعاتی دشمن با حفظ اطلاعات و سیستم اطلاعاتی خودی است. آن‌ها معتقدند که جنگ اطلاعاتی «مجموعه‌ای از عملیات برای دستیابی به برتری اطلاعاتی از رهگذر تخریب اطلاعات دشمن، فرآیندهای اطلاعات پایه، سیستم‌های اطلاعاتی و شبکه‌های رایانه‌ای ضمن حفظ سیستم و فرآیندهای اطلاعاتی خودی است» (کلهر، ۱۳۷۹: ۲۰).

ب) جنگ شبکه‌ای^۱

جنگ شبکه‌ای شامل عملیات روانی و مدیریت هوشمند، از جمله اقدامات دیپلماتیک عمومی، تبلیغات، خرابکاری سیاسی و فرهنگی، فریب یا دخالت در امور رسانه‌های محلی، تلاش برای تقویت حرکت‌های مخالف یا معاند در شبکه‌های رایانه‌ای، است. جنگ‌های شبکه‌ای، فناوری اطلاعات را مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند و ممکن است به شبکه‌های رایانه‌ای نفوذ کنند. این جنگ‌ها می‌توانند بین دولت‌های متخاصم، بین دولت‌ها و گروه‌های غیرقانونی مثل تروریست‌ها، قاچاقچیان و یا انتشاردهندگان سلاح‌های کشتار جمعی و یا بین گروه‌های سیاسی علیه دولت‌ها صورت پذیرد (امیرصوفی و آل‌شیخ، ۱۳۸۹).

جنگ شبکه‌ای به جنگ‌های اطلاعاتی گفته می‌شود که بین افراد، جوامع و ملت‌ها جاری می‌شود و یا جهت‌گیری آن به سوی جامعه و اهداف غیرنظامی است. هدف این جنگ تخریب و فروریختن اندیشه‌ها و تصورات موجود در جامعه و جایگزین کردن انواع جدیدی به جای آن است. جنگ شبکه‌ای به دو صورت هدف‌گیری می‌شود: یکی افکار عمومی مردم و دیگری عقاید نخبگان. این قسم از جنگ، طیف وسیعی از دیپلماسی، تبلیغات، مانورهای روانی و فریب با استفاده از رسانه‌های محلی و رخنه در شبکه‌های رایانه‌ای و پایگاه‌های اطلاعاتی را شامل می‌شود. اختلال و دست‌کاری در شبکه رایانه‌ای و سیستم اطلاعاتی در این قسم جای می‌گیرد (صدوقی، ۱۳۸۲: ۱۳۳).

ج) جنگ سایبری^۲

جنگ سایبری عبارت است از انجام یا آماده شدن برای انجام عملیات نظامی مطابق با اصول

1. Netwar
2. Cyberwar

مربوط به اطلاعات (صدوقی، ۱۳۸۲: ۱۳۳). جنگ سایبری یعنی ایجاد اختلال، اگر نگوئیم نابودی کامل، در سیستم‌های اطلاعاتی و ارتباطی که دشمن برای «دانستن» خود به آن‌ها تکیه می‌کند: یعنی این که او کیست؟ کجاست؟ چه کاری را در چه زمانی می‌تواند انجام دهد؟ چرا می‌جنگد؟ برای او چه تهدیداتی در اولویت قرار دارند؟ ...

در جنگ سایبری تلاش می‌شود تا همه چیز را درباره دشمن بدانیم و درعین حال نگذاریم او هیچ چیزی درباره ما بداند؛ به بیان دیگر، هدف اصلی از جنگ سایبری بر هم زدن «موازنه اطلاعات و دانش» به نفع نیروهای خودی است. به ویژه اگر «موازنه توان رزمی» وجود نداشته باشد؛ بنابراین، در جنگ سایبری می‌توان با بهره‌گیری از دانش برتر، ضعف سرمایه و نفرات را جبران کرده و به پیروزی دست یافت. ریموند پارکز و دیوید دوگان در تعریف جنگ سایبری می‌نویسد:

«جنگ سایبری زیرمجموعه‌ای است از جنگ اطلاعاتی که شامل اقدام‌هایی می‌شود که در دنیای سایبر رخ می‌دهد. دنیای سایبر هر گونه واقعیت مجازی است که توسط مجموعه رایانه‌ها و شبکه‌ها ایجاد می‌شود. در دنیای سایبر، اینترنت و شبکه‌های مرتبطی که حاوی مطالب چندرسانه‌ای هستند، بیشترین ارتباط را با جنگ سایبر دارند» (مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۶).

جنگ سایبر اشکال متعدد داشته و از انواع فناوری‌های پیشرفته بهره می‌برد. سلاح‌های هوشمند، ماهواره‌های جاسوسی، پرنده‌های بدون سرنشین با مداومت پرواز بالا، فناوری موقعیت‌یاب جهانی و ... نمونه‌هایی از فناوری‌های مورد استفاده در جنگ سایبری هستند. هم‌چنین می‌توان به توانمندی‌های کور کردن الکترونیکی، فریب، بیش‌بارگذاری و نفوذ در مدارهای ارتباطی و اطلاعاتی دشمن اشاره کرد. البته جنگ سایبر فقط یک مجموعه از اقدام‌ها بر پایه فناوری محسوب نمی‌شود و نباید آن را با تعاریف قدیمی درباره جنگ رایانه‌ای، جنگ خودکار، جنگ رباتی یا جنگ الکترونیک اشتباه گرفت؛ زیرا جنگ سایبر دربرگیرنده موضوع‌هایی نظیر سازمان و امور نظامی نیز می‌شود. می‌دانیم که انقلاب اطلاعات منجر به نوآوری‌ای سازمانی می‌شود به گونه‌ای که ادارات مختلف یک سازمان بیشتر شبیه اجزای یک شبکه به هم پیوسته در کنار یکدیگر خواهند بود تا به صورت ادارات تابع یک سلسله‌مراتب خاص؛ بنابراین جنگ سایبر با الزام‌هایی همراه است که موجب طراحی مجدد سازمانی، چه درون سازمانی و چه بین سازمانی، خواهد شد. حرکت به سمت ساختارهای شبکه‌ای، مستلزم تمرکززدایی از فرماندهی و کنترل است. مفهومی که برداشت‌های قبلی را مبنی بر این که فناوری نوین اطلاعاتی موجب تقویت هر چه بیشتر فرماندهی متمرکز می‌شود، نقض می‌کند. البته تمرکززدایی تنها بخشی از تصویر کلی است. آنچه مهم‌تر است اینکه فناوری نوین موجب تقویت هر چه بیشتر «نگاه از بالا» می‌شود؛ یعنی مانند بازی فوتبال، رزمندگان می‌توانند از

جایگاه تماشاگران صحنه نبرد را مشاهده کرده و موقعیت نیروهای خودی و دشمن را شناخته و در نتیجه، پیچیدگی‌های فوق‌العاده میدان نبرد را بهتر مدیریت کنند. در زمینه جنگ سایبر، کارشناسان زیادی فقط بر لزوم طراحی مجدد سازمان و تمرکززدایی در تصمیم‌گیری‌های نظامی تأکید کرده‌اند در حالی که مفهوم «نگاه از بالا» در ترکیب با تمرکززدایی فرماندهی، نتایج چشمگیر و تعیین‌کننده جنگ سایبر را به ارمغان می‌آورد (مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۷).

د) جنگ روانی

جنگ روانی پیشینه‌ای بسیار طولانی دارد؛ چراکه انسان‌ها برای تحت تأثیر قرار دادن طرف مقابل به شیوه‌ها و ترفندهایی متوسل می‌شدند و این فعالیت از ارتباط چهره به چهره دو فرد گرفته تا اجتماعات کوچک و بزرگ‌تر بوده است. همین نوع فعالیت‌ها و اقدامات در زمان‌های خاص همچون بحران‌ها، جنگ‌ها، نزاع‌های محلی به صورت مختلف و گوناگونی اتفاق افتاده است. دست‌کاری احساسات افراد، همواره در جنگ‌ها و نزاع‌ها، در شکل‌گیری و سقوط حکومت‌ها، عنصری تعیین‌کننده به شمار می‌آمده است (داقرتی، ۱۳۷۷: ۱۳). از آنجا که در مورد حوزه فعالیت‌های مربوط به جنگ روانی و حدود مرز آن، اتفاق نظر وجود ندارد، در ارائه تعریف روشن و مشخصی برای این نوع جنگ نیز اختلاف نظر دیده می‌شود. این اختلاف نظر حتی در سازمان‌های مختلف، در یک دولت واحد نیز وجود داشته و هر سازمان، این مفهوم را به شکل دیگری تعبیر و تفسیر می‌کند.

نصر از اولین تعریف‌هایی یاد می‌کند که برای جنگ روانی عنوان شد و مورد قبول نیروهای مسلح آمریکا قرار گرفت. او در مورد این تعریف می‌نویسد: «جنگ روانی یعنی استفاده از هر نوع وسیله‌ای به منظور تأثیر گذاری بر روحیه و رفتار یک گروه، با هدف نظامی مشخص». در پایان جنگ جهانی دوم، این اصطلاح در فرهنگ لغت و بستر وارد شد و بخشی از عبارت‌پردازی‌های سیاسی و نظامی آن زمان را تشکیل داد. نصر همچنین در مورد یک نسخه خطی می‌نویسد که توسط نیروی دریایی آمریکا در سال ۱۹۴۶ چاپ شده و در سال ۱۹۵۰ در نگارش آن تجدیدنظر شده است. در این کتاب، جنگ روانی به این شرح آمده است: «وظیفه عمده جنگ روانی، تحمیل اراده ما بر دشمن است، به منظور حاکم شدن بر اعمال آنان از راه‌هایی غیر از راه‌های نظامی و وسایلی غیر از وسایل اقتصادی» (نصر، ۱۳۸۰: ۸۵).

نتیجه‌گیری

فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی جدید، مفهوم و شیوه‌های جنگ نرم را متحول کرده و آن را

وارد مرحله جدیدی کرده‌اند که به جنگ اطلاعاتی یا جنگ رسانه‌ای موسوم گردیده است. اصولاً یکی از ارکان پیشبرد جنگ نرم در طول تاریخ، ابزار و وسایل ارتباطی - اطلاعاتی بوده است، به طوری که جنگ جهانی اول را جنگ روزنامه‌ای، جنگ جهانی دوم را جنگ رادیویی، جنگ ویتنام را جنگ تلویزیون‌های سیاه و سفید، جنگ دوم خلیج فارس را جنگ تلویزیون‌های ماهواره‌ای و جنگ سوم خلیج فارس را جنگ رسانه‌های مدرن نامیده‌اند. در این روند مرحله به مرحله سازوکارهای جنگ نرم پیچیده‌تر و با گستره وسیع‌تری دنبال می‌شود. در عصر اطلاعات و ارتباطات نیز این مسئله، با جهشی قابل ملاحظه، در استفاده از فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی در جنگ نرم پیگیری می‌شود؛ چراکه فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی جدید موجب افزایش کارایی و کارآمدی جنگ نرم در پیگیری اهداف و مقاصد کشور ما شده است.

انقلاب در اطلاعات و فناوری ارتباطات منجر به ظهور اشکال جدیدی از جنگ یا تغییر در اشکال قدیمی جنگ شده است و امروزه اصطلاحاتی مانند جنگ نرم، جنگ اطلاعاتی، جنگ روانی، جنگ سایبر، جنگ رایانه‌ای و غیره را به طور مکرر از رسانه‌های جمعی می‌شنویم که با استفاده از فناوری ارتباطات رخ می‌دهند. به طور کلی، تأثیرات کامل انقلاب فناوری ارتباطات و اطلاعات بر ثبات جهانی و جنگ هنوز به طور کامل شناخته نشده است، ولی آشکار است که عصر ارتباطات و اطلاعات تهدیدات، آسیب‌پذیری‌ها و جنگ را تغییر داده است. اکنون با استنتاج از مطالب مذکور، نکات زیر در جمع‌بندی حائز اهمیت است:

- فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی جدید، سبب پیچیدگی جنگ نرم شده است؛ بنابراین درک مقابله با سازوکارهای آن، هشیاری زیادی را می‌طلبد.
- جنگ نرم در عصر حاضر، با توجه به ویژگی‌های وسایل ارتباطی - اطلاعاتی جدید (سرعت، قابلیت پخش گسترده جهانی، ارزان بودن و در دسترس بودن) دیگر منحصر به زمان وقوع جنگ نیست، بلکه جنگ نرم در زمان صلح نیز فعال است.
- جنگ نرم اکنون، بسیار زیرکانه، غیرمستقیم و نامحسوس ولی در عین حال نسبت به گذشته تأثیرگذارتر و عمیق‌تر است.
- با توجه به نکات فوق، لزوم استفاده و بهره‌گیری کشورها از فناوری‌های ارتباطی - اطلاعاتی برای انجام جنگ نرم، و یا در جهت مقابله با آن گریزناپذیر است.

منابع

الف) فارسی

- آلپورت، جی. دبلیو و لئو پسمن، (۱۳۷۴)، *روانشناسی شایعه*، ترجمه ساعد دبستانی، تهران: مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما.
- الیاسی، محمدحسین، (۱۳۸۲)، «جنگ نرم رسانه‌ای برای کنترل اذهان»، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۴.
- امیدوارنیا، محمدجواد، (۱۳۸۱)، *امنیت در قرن بیست و یکم: دیدگاه چین*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- امیرصوفی، رحمت‌الله و روح‌الله آل‌شیخ، (۱۳۸۹)، «نقش اطلاعات در میدین رزم زمینی»، قابل دسترسی در:
<http://paydarymelli.ir/tabid/69/articleType/ArticleView/articleId/540/categoryId/40/---.aspx>
- بیات، محمود، (۱۳۸۵)، *دیپلماسی دیجیتالی: پژوهشی در تحولات دیپلماسی معاصر*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- بیلینس، جان و اسمیت، استیو، (۱۳۸۳)، *جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین: موضوعات بین‌المللی، جهانی شدن در آینده*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی، تهران: ابرار معاصر.
- بیلینس، جان و جیم ویرتز و دیگران، (۱۳۸۳)، *استراتژی در جهان معاصر: مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک*، ترجمه بابک خبیری، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- پوراحمدی، حسین، (۱۳۸۱)، «اقتصاد سیاسی انقلاب اطلاعاتی - ارتباطی: جهانی شدن و تبیین نواز منابع قدرت ملی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲.
- پورحسن، ناصر، (۱۳۷۷)، «انقلاب ارتباطات و افزایش تقاضا از نظام‌های سیاسی»، فصلنامه رسانه، سال نهم، شماره دوم.
- تافلر، آلوین، (۱۳۷۲)، *جابجایی در قدرت*، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر مترجم.
- تافلر، آلوین و تافلر، هیدی، (۱۳۷۵)، *جنگ و پاد جنگ*، ترجمه مهدی بشارت، تهران: انتشارات اطلاعات.
- تجری غریب‌آبادی، ذبیح‌الله، (۱۳۸۹)، «جنگ نرم در یک نگاه»، قابل دسترسی در:

<http://www.bashgah.net/pages-43002.html>

- «تعریف جنگ نرم» (۱۳۸۸)، قابل دسترسی در:

http://p26mj.com/index.php?option=com_content&view=article&id=4:1388-12-07-08-19-39&catid=16:1388-11-18-08-38-21&Itemid=3

- خرازی، رها، (۱۳۸۲)، «جنگ دیجیتال»، زاویه دید: نظم نوین و تجدید ساختار سیاسی در

عصر اطلاعات؛ فصلنامه پژوهش و سنجش، شماره ۳۴.

- دادگران، محمد، (۱۳۸۲)، *افکار عمومی و معیار سنجی آن*، تهران: مروارید.

- دافرتی، ویلیام، (۱۳۷۷)، *جنگ روانی، تبلیغات و جنگ روانی*، ترجمه حسین حسینی،

تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).

- دیننگ، دی ای، (۱۳۸۳)، *جنگ اطلاعات و امنیت*، مترجمین: ج. شیخ زادگان،

م. حسین زاده و م. روجانی، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری پردازش هوشمند علائم.

- رفیعی، عبدالله، (۱۳۸۲)، *دولت‌ها و افکار عمومی*، جنگ نرم، تهران: نشر دادار.

- روزنامه شرق، (۱۳۹۰)، «امنیت سایبری در کانون توجه سیاستمداران: صف آرای اشرار

مجازی»، سال هشتم، شماره ۱۲۴۹، چهارشنبه ۲۸ اردیبهشت‌ماه.

- رمضانی، محمدعلی، (۱۳۹۱)، *اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای در مقابله با تهدیدات و*

جنگ اقتصادی، اولین همایش ملی توسعه سواحل مکران و اقتدار دریایی جمهوری اسلامی

ایران، دانشگاه دریانوردی و علوم دریایی چابهار، منطقه سوم نیروی دریایی راهبردی ارتش

جمهوری اسلامی ایران-کنارک.

- سلطانی فر، محمد، (۱۳۸۵)، «تاکتیک‌های جنگ روانی»، قابل دسترسی در:

<http://alef.ir//content/view/5963>

- سلطانی، محمد و هاشمی، شهناز، (۱۳۸۲)، *پوشش خبری*، تهران: انتشارات سیمای شرق.

- سورین، ورنر و تانکارد، جیمز، (۱۳۸۴)، *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان،

تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- سورین، ورنر و تانکارد، جیمز، (۱۳۸۸)، «نظریه‌های ارتباطات»، قابل دسترسی در:

<http://www.tabnak.ir/fa/pages/?cid=68658>

- سیف‌زاده، حسین، (۱۳۸۴)، *سیاست خارجی ایران*، تهران: نشر میزان.

- شارپ، جین و رابرت هلوی، (۱۳۸۶)، *جامعه مدنی، مبارزه مدنی، گزینش و ترجمه*

مهدی کلاتر زاده، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول.

- شیرازی، محمد، (۱۳۷۶)، *جنگ روانی و تبلیغات: مفاهیم و کارکردها*، تهران: انتشارات

نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

- صدوقی، مرادعلی، (۱۳۸۲)، *فناوری‌های اطلاعاتی و حاکمیت ملی*، تهران: دفتر مطالعات

سیاسی و بین‌المللی.

- ضیایی‌پرور، حمید، (۱۳۸۳)، *جنگ نرم ۲: ویژه جنگ رسانه‌ای*، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- عسگری، محمود، (۱۳۸۲)، «رسانه و جنگ، چارچوبی برای تحلیل»، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم شماره ۳۴.

- کاروتر، سوزان، (۱۳۸۱)، *رسانه‌ها و فناوری ارتباطات؛ مسائل سیاست جهانی (مجموعه مقالات)*، ویراسته برایان وایت، مایکل اسمیت و ریچارد لیتل، ترجمه سید محمد کمال سروریان، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- کالینز، جان.ام، (۱۳۷۰)، *استراتژی بزرگ: اصول و رویه‌ها*، ترجمه کوروش بایندر، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

- کاویانی، محمد، (۱۳۸۰)، «تبلیغات و جنگ روانی»، فصلنامه حوزه و دانشگاه، سال هفتم، شماره ۲۹.

- کلانتری، مریم، (۱۳۸۸)، «آشنایی با جنگ روانی»، در دسترس:

<http://www.hccmr.com/news-637.aspx>

- کلهر، رضا، (۱۳۷۹)، «جنگ اطلاعاتی و نقش آن در جنگ آینده»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۳۳ و ۳۲.

- کیا، علی‌اصغر، (۱۳۸۲)، «جنگ، تروریسم و رسانه: با تأکید بر نقش رسانه‌ها در جنگ امریکا و عراق»، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۴.

- گرم، لین و مک‌لین، دیوید، (۱۳۸۲)، «رسانه‌ها، جنگ و روابط بین‌الملل»، ترجمه عالیه شکرپیگی و رؤیا غندالی، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۴.

- محمدی‌نجم، سید حسین، (۱۳۸۴)، «جنگ روانی»، فصلنامه عملیات روانی، سال سوم، شماره ۹.

- محمدی، محمود، (۱۳۸۱)، *سازمان‌های آینده، فصل اول پروژه نقش فناوری اطلاعات در جنگ‌های آینده*، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.

- مرادی، حجت‌الله، (۱۳۸۸)، «دروغ‌های جنگ، بخش جدایی‌ناپذیر جنگ روانی»، قابل دسترسی در:

<http://www.arnet.ir/?lang=fa&state=showbody-news&row-id=10495>

- مرادیان، محسن، (۱۳۸۷)، «جنگ‌های اطلاعاتی و رایانه‌ای»، ماهنامه اطلاعات راهبردی، سال ششم، شماره ۶۵.

- مسعودی، امیر، (۱۳۸۲)، «روش‌های جدید خبری در جنگ دوم خلیج فارس: انگاره‌سازی و جذب در بازی»، فصلنامه پژوهش و سنجش، سال دهم، شماره ۳۴.
- مونکلر، هر فرید، (۱۳۸۴)، جنگ‌های نوین، ترجمه حسن درگاهی، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ.
- میرمحمدی، مهدی و محمدی‌لر، عبدالمحمود، (۱۳۷۸)، سیاست و اطلاعات: مطالعه موردی ایالات متحده آمریکا، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ناجی‌راد، محمدعلی، (۱۳۸۴)، جهانی شدن تروریسم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نصر، صلاح، (۱۳۸۰)، جنگ روانی، ترجمه محمود حقیقت کاشانی، تهران: انتشارات سروش.
- هیلزگری، کریس، (۱۳۸۱)، جنگ پست‌مدرن: سیاست نوین درگیری، ترجمه احمدرضا تقاء، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ.

ب) انگلیسی

- Information Warfare, (1994), "Pouring the Foundation, Draft", USAF/XO, 19, December.
- Keohane, Roberto and Nye, Josephs (1998), "Power and Interdependence in the the Information Age", Foreign Affairs, September / October.
- Lee A. M and E B Lee, (1993), *The Fine Art of Propaganda: A Study of Father Coughlin's- Speeches*, New York: Harcourt, Brace, and Company.
- Sepal, Tina, (2002), *New Wars and Old Strategies: From Traditional Propaganda to Information Warfare and Psychological Operation*, Finland.
- Nye, Joseph and Owens, William, (1996), "America s Information Edge", Foreign Affairs, March, April.